

## سالروز تولد شاهنشاه ایران

### “قدر مردان بزرگ در خدمات آنهاست >

امیر فیض - حقوقدان

دهه آبانماه هر سال در بردارنده روزهای پرشکوه تاریخ کشور ماست. زاد روز شاهنشاه آریامهر محمد رضاشاه پهلوی و نیز اتیان سوگند و تداوم سلطنت بوسیله ولیعهد است که برگ زرین و سند معتبر تداوم ۲۵۰۰ ساله سلطنت ایران میباشد.

در این روزها ایرانیان اصیل و شاه دوست بنابه سنت دیرینه خود که جریان آن قرون متمادی راپشت سر نهاده به فراخور امکانات و احوالات، با تشکیل جلسات و مجالس شادمانی، احساسات شاه دوستی و شکرگزاری خود را ابراز میدارند.

رویه مستمر سنگر چنین بوده که بمناسبت روزهای فرخنده مزبور تحقیقی که نشانگر خدمات شاهنشاه ایران است به ایرانیان وطن پرست و شاهدوست پیشکش میکند، و اکنون نیز در مقام همان سیره بیک موضوع مهمی که کمتر مورد نقد قرار گرفته است پرداخته میشود.

### با مقایسه جلومیر ویم

لغاف این پیشکش، مقایسه سیاست خارجی ایران شاهنشاهی و جمهوری اسلامی است. لغاف را باز میکنیم و با حالت مقایسه جلومیر ویم، چراکه مقایسه بهترین ابزار برای ارزشیابی دو چیز هم معناست در تبدیل شدن به فعل.

### نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی برخلاف سایر قوانین اساسی کشورها و همچنین قانون اساسی مشروطیت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیاده شده است (فصل دهم اصل ۱۵۲ تا ۱۵۵)

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی، دفاع از حقوق مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گرو روابط صلح آمیز با دول غیر محارب استوار است»

سیاست به معنی تدبیر است. سیاست داخلی میشود تدبیر، برای تامین رفاه و امنیت و اداره کشور بطور کلی. و سیاست خارجی میشود؛ اتخاذ تدابیر لازم در روابط با کشورهای و تامین منافع کشور با کشورهای دیگر و وجه مشترک سیاست خارجی با سیاست داخلی این است که هیچ سیاستی چه از باب کشورداری و یا سیاست خارجی نمیتواند بدون قانون باشد.

مفهوم مطلب چنین میشود، که هر زمان سیاست داخلی و یا خارجی کشور به امری و یا نهدی از عملی نیاز داشته باشد مجلس بنا بر پیشنهاد دولت و یا نمایندگان وارد عمل میشود.

قانون متناسب نیاز جامعه و یا مصالح کشور بوسیله نمایندگان مجلس وضع و یا نسخ میشود و این عمل مهمترین اقتدار و صلاحتی است که به مجلس داده شده است و اگر قانونی در سابق وضع شده که مخل با قانون جدید است آنرا کنار میزند.

**هنگامیکه سیاست خارجی کشوری (جمهوری اسلامی) در قانون اساسی کشور ذکر شد مجلس دیگر قادر نیست تدابیری را که رعایت آنرا جامعه مقتضی میداند و اگر برخلاف قانون اساسی باشد آنرا بصورت قانون درآورد و لاجرم ذکر سیاست خارجی که مدام در روابط باکشورها در حال تغییر است با مشکل روبرو میشود؛ (زیرا قوانین موضوعه نمیتواند مغایر با قانون اساسی باشد).**

درست است که اجرای عهد نامه های بین المللی مقدم بر قوانین داخلی است و چون عهدنامه های بین المللی بتصویب قوه مقننه میرسد مشکلی در حق تقدم آنها نسبت به قوانین موضوعه نیست ولی این رویه نمیتواند نسبت به قانون اساسی کشورها از جمله جمهوری اسلامی پیاده و رعایت شود به همین دلیل است که **کشورهائی که عضویت سازمان ملل متحد را قبول میکنند باید قانون اساسی آنها منطبق با منشور سازمان ملل متحد باشد.**

از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی در باب سیاست خارجی کشور منطبق با منشور سازمان ملل نیست لذا مشکلات عدیده ای در اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی بروز میکند.

### از باب مثال

در اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی میگوید «تعهد در برابر قدرتهای سلطه گرممنوع است»

چه ضابطه حقوقی و شناخته شده بین المللی وجود دارد که کشورهای سلطه گر را از غیرسلطه گر جدا کرده باشد؟ و لاجرم جمهوری اسلامی را در موقعیتی قرار میدهد که نتواند طرف هیچ قرارداد بین المللی قرار گیرد و انگهی کشور سلطه گرممنکن است در زمانی سلطه گرنباشد و بعدا سلطه گربشود و برعکس. در وضعیتی که نمیتوان سلطه گری را تعریف ثابت کرد و چنان تعریفی هم در جایگاه حقوق بین الملل شناخته شده نیست و همچنین مقامی که بتواند نسبت به مناقشه سلطه گری حکم بدهد وجود ندارد، چه اعتباری میتوان به عهد نامه های جمهوری اسلامی باکشورهای خارجی داد؟

### مثال دیگر

در همان اصل ۱۵۲ «روابط صلح آمیز باکشورهای محارب (اشتباه نشود کشورهای محارب کشورهای غیرمسلمان هستند = حقوق اسلامی) از تعهد جمهوری اسلامی خارج شناخته شده است»

در حالیکه می دانیم حرکت چرخهای جهان بر روابط صلح آمیز با عموم کشورها بر اساس منشورها و عهد نامه های بین المللی است که مسلمان و غیرمسلمان ندارد.

لذا شرکت جمهوری اسلامی در تمامی عهدنامه های بین المللی که کشورهای کفر طرف تعهد قرار گرفته اند باطل است گرچه مجلس اسلامی به آن قراردادها صحنه گذاشته است ولی فراموش نکنید که مجلس نمیتواند قانونی خلاف قانون اساسی بتصویب برساند خاصه که اصل ۱۵۲ یک اصل قرآنی است.

### نمونه جالب.

همین مذاکرات ژنو، تحمیل خواست های کشورهای محارب در رابطه با انرژی هسته ای به جمهوری اسلامی است، بهر صورتی به آن نگاه شود تحمیلی است به جمهوری اسلامی از سوی کشورهای کفر و بموجب اصل مزبور، جمهوری اسلامی نمیتواند طرف قراردادی در رابطه با انرژی اتمی قرار گیرد، که طرف آن کشورهای کفر است.

### مثال دیگر

اینکه عده ای در ایران مخالف ایجاد رابطه با آمریکا هستند و باب بی اعتمادی و سلطه گری را برای آمریکا گشاده اند، عملشان دقیقاً منطبق با همان اصل ۱۵۲ است و لذا بمناسبت همان اصل، جمهوری اسلامی نمیتواند با آمریکا که هم سلطه گریست و هم بی اعتماد قطع رابطه و دشمنی با آمریکا را به روابط دوستانه و یا لااقل پایان خصومت مبدل سازد.

البته این ممنوعیت عام است و همه کشورهای کفر از جمله روسیه و چین و انگلستان و فرانسه و سایر کشورها را هم شامل میشود.

### نتیجه اینکه

نتیجه اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی همواره درگیر با مسائل جهانی در روابط بین الملل بوده و بمناسبت محدودیت قانون اساسی اش، آن کشور خلاصی ندارد و هر نرمشی که جمهوری اسلامی بخواهد در مقابل ۱+۵ در مسئله انرژی هسته ای و یا سایر مسائلی که با کشورهای خارجی غیرمسلمان نشان بدهد اصل ۱۵۲ مانع است.

### سیاست خارجی در قانون اساسی مشروطیت ایران

همانطور که استحضار دارید در قانون اساسی مشروطیت ایران فصلی بنام سیاست خارجی کشور پیاده نشده است، و این خود تبحر و آگاهی تنظیم کنندگان قانون اساسی و متمم را میرساند، زیرا سیاست خارجی و حتی داخلی چیزی نیست که ثابت باشد. سیاست، تدبیر است و تدبیر چیزی نیست که قبل از اتخاذ، قانون اساسی کشور آنرا مقید سازد.

سیاست خارجی هر کشوری به تناسب جریانات روز جهان پایه ریزی میشود نمیتوان یک قاعده اسلامی را در چگونگی رابطه با کشورهای در قانون اساسی پیاده کرد.

در همان اصل ۱۵۲ کشورهای محارب وقتی میتوانند با جمهوری اسلامی طرف قرارداد و تعهد قرار گیرند که آن کشورها با جمهوری اسلامی قرارداد جزیه (باج برای زنده بودن و روابط صلح آمیز با کشور اسلامی) داشته باشند.

آیا تحقق چنین امرقرائی ممکن است؟ البته که خیر، ولی وقتی درقانون اساسی جمهوری اسلامی پیاده شد آنوقت رعایت آن الزامی میشود.

## **سیاست خارجی ایران شاهنشاهی**

سیاست خارجی ایران شاهنشاهی بقرارزیرازسوی شاهنشاه آریامهرتفسیر وتجسم شده است:

«ماصلح رامقدمه اولیه ونیاز مبرم عمران وپیشرفت منطقه خود میدانیم - ماکوششهای صلح جویانه خود را ادامه میدهیم. راه دیگری وجود ندارد. هدفهای اصلی وبنیادی سیاست خارجی ایران را در پیوستن به پیمانهای بین المللی چنین میدانیم؛

**\*\* تحقق بخشیدن به صلح وهمکاری**

**\*\* منع دخالت بیگانگان درروند داخلی سایرملل**

**\*\* ادامه مساعی فعالانه درایجاد همکاری باکلیه کشورها، تااطمینان حاصل کنیم جهانی که مادر آن زندگی میکنیم بصورت مکانی امن برای نسل حاضرونسلهای آینده درخواهد آمد.**

(کتاب سیاست خارجی ایران ۷۶)

## **برداشت مقایسه ای**

سیاست خارجی ایران شاهنشاهی برپایه احترام به عهدنامه های بین المللی وحقوق کشورها ومنع دخالت بیگانگان درامورکشورها بنا شده است وهدف نهائی سیاست خارجی ایران برقراری صلح ازمجرای عهد نامه های بین المللی است وبرعکس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی برپایه جنگ و منازعه با همه کشورهای غیراسلامی جهان است، آیا باچنین سیاستی میتوان آرامش وامنیت رابرای مردم ایران بپارآورد؟ مسلما خیر، سی سال است که درگیری های بین جمهوری اسلامی وکشورهای خارجی، خاصه آمریکا جریان دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی خاصه درمورد سیاست خارجی اعلان جنگ به همه کشورهای غیرمسلمان است، جبهه گیری کشورها علیه جمهوری اسلامی یک امرطبیعی است. چه اعلان جنگ جمهوری اسلامی به کشورها نمیتواند بدون واکنش باشد.

همان شعارهای مرگ بر آمریکا - گروگان گیری کارمندان سفارت وانفجارهای سفارت خانه های آمریکا درنارویی وخواهگاه سربازان آمریکا درلبنان وعربستان ودیگر عملیات خصمانه چیزی جز جنگ نیست و آمریکا هم بطرق مختلفه ازجمله تحریمها وتحریکها با حالت جنگ جمهوری اسلامی مقابله میکند.

## **مقایسه دورویداد**

جریان فرقه دمکرات درسال ۱۳۲۱ ومتعاقبا فشار شوروی برای تحصیل امتیازنفت شمال واعلام جمهوری ازسوی کردها وفرقه دمکرات تحت حمایت شوروی وحضور نیروهای ارتش سرخ شوروی تا قزوین ونیز حضور نیروهای انگلیسی درجنوب و عملیات مسلحانه قشقانی ها درفارس بمنظور خود

**مختاری و طرفداری یکپارچه جراید ایرانی از فرقه دمکرات و بسیاری مسائل دیگر؛ آیا بیشتر استقلال و تمامیت ارضی و نابودی کشور را تهدید میکرد یا مسئله انرژی اتمی بین جمهوری اسلامی و غرب؟**

در سال ۱۳۲۱ قدرت مالی و اقتصادی ایران قابل مقایسه با قدرت مالی و اقتصادی ایران سال ۵۷ نبود ایران در سال ۲۱ گرفتار جنگ و حضور نیروهای خارجی در کشور بود و در سال ۵۷ یک ایران قوی با اقتصاد سالم و پیشرفته و استقلال کشور بر منابع نفتی بدست جمهوری اسلامی غاصب افتاد.

سیاست خارجی ایران شاهنشاهی همه آن مشکلات را با بصیرت و آرامی و استفاده از منشور سازمان ملل متحد حل و فصل کرد و نه امتیازی به شوروی داد و نه به استقلال و تمامیت ارضی کشور کوچکترین لطمه ای وارد شد.

این رامیگویند سیاست مدیرانه - کوچکترین بی احتیاطی نه تنها تجزیه ایران بلکه برخورد جهانی را بوجود میآورد.

**اسناد منتشر شده حاکی است که حتی آمریکایی ها به شوروی پیشنهاد تقسیم ایران را کردند، ایران به سازمان ملل متحد رفت. سیاست شاهنشاه ایران نه تنها مانع تجزیه ایران توسط شوروی شد بلکه برنامه تقسیم ایران را هم متوقف ساخت.**

### منویات قلبی و سیاست خارجی

یکی از جهات افتراق سیاست خارجی با سیاست داخلی کشور میتواند این باشد که در سیاست داخلی ممکن است رهبر کشور روی قوانین داخلی پل بزند و منویات قلبی خودش را به مردم تحمیل کند و یا آنکه در جهت اندیشه مردم کوچه و بازار حرکت کند و وجهه المله هم بشود ولی در سیاست خارجی نمیشود بر اساس منویات قلبی رهبر کشور و یا مردم کوچه و خیابان رفتار کرد.

اینکه گفته شده «صلاح مملکت خویش خسروان دانند» ممکن است به اعتباراتی در حاشیای سیاست داخلی کشور مقامی از توجه پیدا کند ولی در سیاست خارجی این حسابها نیست.

کشور هادرسیر سیاست خارجی عضو از اعضای جامعه جهانی هستند تابع قوانین بین المللی میباشند و در حقیقت حاکمیت ملی خود را تحت شرایط و ضوابطی محدود میسازند.

رهبران و شخصیت های آگاه، به مسائل و حساسیت های سیاست های خارجی بسیار دقت میکنند که منویات آنها با سیاست خارجی کشور مخلوط نشود، اینکه گفته شده کار سیاستمداران این است که هر چه در دل دارند بر زبان نیاورند برای همین است که نیت های افراد اگر آشکار شود حریم روابط بین کشورها را میشکند.

فقط احمدی نژاد یک جمله که از نیت های جمهوری اسلامی حکایت داشت گفت «نابودی اسرائیل» اثرات این تجاوز به مرز سیاست خارجی سالهاست که بردوش ملت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی افتاده است.

در همین رابطه خامنه ای در سخنرانی اجلاس کنفرانس تهران گفت: «ما به دنبال سلاح هسته ای نیستیم و اقتدار را هم در سلاح هسته ای نمیدانیم و اقتدار متکی به سلاح هسته ای را میتوانیم بشکنیم انشاء الله این ملت این کار را خواهد کرد»

قسمت تاکیدی اظهارات خامنه ای رامیتوان آرمان ونیت قلبی او گرفت که نشان امیدواری وخواست او درشکستن اقتدارکشورهای هسته ای است که درحقیقت یک علامت آماده باش برای کشورهای هسته ای است.

تمام مردم جهان علاقه و آرزو دارند که کشورشان درصداقتدارجهانی قرارگیرد، ولی یک سیاستمدار در روابط سیاست خارجی چنین موضوع تفسیربرداری را عنوان نمیکند ولی یک سیاست باز عنوان میکند و بر آن هم میبالد و عوام هم از این حرفها بسیار مغرور میشوند، سیاست باز نقش روضه خوان ها را بازی میکند و میخواهد چیزی بگوید که مردم اشک شوق بریزند و به آثارحرف وحرکاتش اهمیت نمیدهد.

### **منویات قلبی شاهنشاه در رابطه با آمریکا و اسرائیل**

این تحریر مقتضی میداند که مواردی که نشانگرمنویات قلبی شاهنشاه ایران نسبت به آمریکا و اسرائیلی هاست را از یادداشتهای روزانه علم به اینجا بیاورد که بتوان مقام ایشان رادریاستمداری با آخوند های سیاست بازبراحتی بیشتری مقایسه کرد.

شاهنشاه درمذاکرات خصوصی با علم منویات قلبی خودشان رانسبت به آمریکا چنین بیان میکنند:

«امان ازاین حُقم آمریکائی وجامعه آمریکائی، جامعه آمریکا یک جنگل مولااست»

\*\*\*

علم درراستای نظر شاهنشاه میگوید:

«یک همچو دماغوگ مادرقحبه! ای چون جیمی کارترتاحالا سراغ نکرده ام وای برما که متکی به چنین احمق هائی هستیم»

\*\*\*

فرمودند: «تبلیغات روسها بسیارقوی است و آمریکائی ها بسیاراحمق هستند»

\*\*\*

فرمودند: «این آمریکائی ها همیشه موقعی از جایشان تکان میخورند چیزی که به آنها حفته شده ازدهانشان برآید»

\*\*\*

فرمودند: «به اسرائیلی ها بگو تمام پدرسوختگی روزنامه های آمریکا زیرسرشماست»

(از جلد ششم یادداشتهای روزانه علم - بخشی ازکل)

مخلوط نکردن احساسات مثبت و یامنفی رهبرکشور در جریان سیاست خارجی و رعایت نزاکتهای معمول بین المللی در زمان شاهنشاه آریامهر بوده است که کسینجر در همان زمانی که شاهنشاه بطور خصوصی منویات و نظرات سیاسی شخصی شان رابه علم میگوید گفته است:

«اگر وجود شاهنشاه نبود، در این منطقه از جهان باوضع عجیبی روبرو بودیم»

(همان ماخذ)

علم جمله ای در کتابش در رابطه بامنویات قلبی شاهنشاه نسبت به آمریکا واسرائیل دارد که بسیار با معناست، گفته است:

«کسی چه میداند شاید بعد از ۵۰ سال این یادداشتها بدست کسی بیفتد و روابط ماراباکشورهای دیگر ویا اشخاص بهم بزند»

(همان ماخذ)

یعنی آنچه که شاهنشاه در رابطه با آمریکائیا گفته اند اگر علنی بود کافی بود که روابط ایران را با کشورهای دیگر درهم به پیچد.

**دروود افتخار بر نامش که باهمت مردانه و سیاستی مدبرانه و اشتیاقی میهن پرستانه به ما ملت ناسپاس**

**خدمت کرد**